

اقدام صدام به عقب‌نشینی با اصطلاح "یکمانه" که در هفته گذشته در بخشی از حربه جنگ در فریب و توام با تخریب کامل و بربرستانه فرسورین و مهران و سین‌گذاری منطقه "منطقه نده" انجام گرفت، البته یک عقب‌نشینی اجباری تاکتیکی نظامی است. صدام می‌خواهد این عقب‌نشینی را بعنوان تله‌بلی بر "صلح‌خواهی" خود ارائه دهد، ولی همانطور که "آتش" توام با ارائه آتش، آتش نیست، "عقب‌نشینی" توام با تخریب و حشانه شهرها و روستاها و سین‌گذاری منطقه "تله‌بده" عقب‌نشینی داوطلبانه برای صلح نیست. عقب‌نشینی اجباری تاکتیکی، برای ادامه جنگ است. صدام که به تحریک و تنویر امریکا و به قصد درهم شکستن انقلاب و براندازی جمهوری اسلامی ایران، به ایران انقلابی حمله کرد، همچنان به بازار امریکا می‌رقصد و در تبعیت از "خط" امریکا خواستار ادامه جنگ است. منتها این "فانس قادسیه" که کارش به فصاحت کشیده و شکستهای متوالی سختی متحمل شده، اکنون می‌داند خود را "صلح‌خواه" معرفی کند، خود را در موضع "تدافعی" قرار دهد، تا به خیال خود، ایران مدافع را "تجاوز" قنداد نماید، و سپس وسیله زمینه تبلیغاتی و "دیپلماتیک" مساعدتری برای امریکا فراهم شود تا بیشتر بتواند حکام مرتجع منطقه را در کار صدام علیه ایران انقلابی وارد میدان عمل کند. خودداری لاجرم از پذیرش صلح عادلانه، خود دلیل مشهودی است که صدام همچنان در "خط" امریکا حرکت می‌کند و خواستار ادامه جنگ است.

این نکته مهمی است که رفقا باید بدان توجه کنند و آنرا به هواداران سازمان و به مردم در حدود امکاناتی که دارند، توضیح دهند.

نکته دیگری که رفقا باید بدان توجه کنند اینست که "صلح‌خواهی" صدام مصرف داخلی دارد. او بدین وسیله می‌خواهد جو عمومی مترقی را در عراق آرام کند، خود را "گربه عابد" شده معرفی نماید. بیروها و سازمانهای سیاسی مترقی عراق را که برای سرنگونی رژیم او مبارزه می‌کنند و حربه آنها دم بدم فشرده‌تر می‌شود، متروک و متروک کند، تا شاید بتواند رژیم خود را تثبیت کند. ولی نه این سرنگ "صلح‌خواهی" کاذب و نه اقداماتی بطیر "رزم" هیئت دولت و برکاری چندوزیر و به حدت گرفتن چند وزیر جدید، کسی را فریب نخواهند داد. مردم عراق و سویزه بیروهای متشکل سیاسی مترقی آن، در تجربه، رژیم صدام و شخص او را شناختند و تا این رژیم خائن را سرنگون کنند، از پای نخواهند نشست. لذا هر نیروی انقلابی که در سطح

منطقه بتواند به نیروهای ضد رژیم صدام در جهت تقویت و انسجام آنها کمک کند، به وطنه افغلاسی خود عمل کرده است.

نکته مهم دیگری که رفاقا باید بدان توجه کنند و به مردم توضیح دهند این است که عقب نشینی تاکتیکی نظامی صدام، شکستهایی که متحمل شده، وضع منزلی که دچار آن گشته، خطر آمریکا را نسبت به ایران افغلاسی، تضعیف نداده بلکه تشدید کرده است. هدفی که آمریکا در برابر خود سهاده، شکستن انقلاب و براندازی جمهوری اسلامی ایران است. برای دسترسی به این هدف آمریکا اکنون انواع سوطهها طرح و اجرا کرده که یکی از آنها تجاوز سطح رژیم صدام به ایران بود. آمریکا این هدف را همچنان تقویت می کند و به گفته امام تا ۵ سال دیگر هم تقویت خواهد کرد. آمریکا چشم طمع از ایران برخواهد گرفت، لذا تردید نباید کرد که آمریکا همه سرنگها و تلاشهای خود را بکار خواهد برد. تا جنگ علیه ایران ادامه و توسعه یابد، همه نیروهای مرنج گوشه فریب خود را در آن شرکت دهد و اگر نتوانست و امکان یافت خود مستقیماً اقدام کند. احتمال این خطر را الحظای نباید منتفی دانست. به این دلیل که اولاً آمریکا برای چنین اقدامی همه تدارکات لازم را انجام داده. در عمان و عربستان و دیکوکارسیا و پاکستان و ترکیه و دیگر نقاط نزدیک به

ایران، پایگاههای نظامی و تخصصهای پیشرفته در اختیار گرفته و نیروهای واکنش سریع و ناوگان دریایی مستقر ساخته... و ثانیا به این دلیل که ایران با موقعیت جغرافیایی که در منطقه دارد، طعمهای نیست که بتواند به این سادگیها از آن صرف نظر کند. اگر درست است که منطقه حاشیه خلیج فارس برای آمریکا منطقه "منافع حیاتی" است. و نفت منطقه خلیج فارس، آب حیات اسرائیل و ایران با موقعیت جغرافیایی، منابع غنی طبیعی و کثرت جمعیت کثیری است در این منطقه که تثبیت افغلاسی در این منطقه و بردن در آن "میری" خواهد بود. پس آمریکا نمی تواند برای بازپس گرفتن ایران هر آنچه در قوه دارد بکار نبرد و حتی به اقدامات جنون آمیز عاجله دست نزند. از نوع تجاوز نظامی "طیس" و بدتر از آن سوسنگ کردن. نباید در اینجا این سوال حاکمی از تردید مطرح نمود که اسب اجرا حوسو خطرناکی است. آری ماحرا حوسی خطرناکی است ولی سراعتی می توان دید که ماحرا حوسی اکنون به سطح ساس آمریکا ارتقاء یافته است. حمله ساس آمریکا سوسنگ رژیم صهیونیستی اسرائیل به حوسو لسان، مگر ح... جز ماحرا حوسی خطرناکی تا حد راندن جهان به لبه سربگاه محرف جامعه جنگ جهانی - سوسنگی جهانی است که اگر درگرم می تواند باعث نابودی سرب از حمله مردم خود آمریکا گردد؟

نکته به زور تهدید به استعمال و با سوسنگ به استعمال بطرحه در هر کجا که نتواند با سربگ و سوطههاک رسنه راه موی بازگرداند و ساطق و گنورهای ها از سطحه را بازپس گیرد. اساس ساس اسرائیل صدام است. ساس اتحاد حوسو ساسی است که آمریکا از یکسوا مشاهده تغییر تناسب موا سوس حوسو صدام اسرائیلی. (صدام صدام ساس حوسو سوسانیم.

گسترش مداوم حوسو رهایی حوسو در سطح جهان "جهان سوم" اجزای صدام بخش صدام اسرائیلی کسورهای بواستقلال در فرجه ساس حوسو کسوس صدام حوسو گارگری و سوس سوسه مداوم حوسو صلح که ماهیبا" و در اجزای حلیل حوسو صدام اسرائیلی است). احساس "خطر" می کند. احساس می کند که زمین زیر پایش می لرزد. احساس ناوایی می کند و از سوی دیگر سوسر خود را توانا می داند. این ناوایی در ناوایی ساس ساس ماحرا حوسو اوست. آمریکا را می توان به سوس دردهای تشنه کرد که با حوسو سوس سوسگی را فرو کرده بود و اکنون سهاده می کند که این جنگ را قطعه قطعه از او می گیرد و دائره عمل و میدان تگرس را محدود و محدودتر می کند. او جنگس است و غریبه تباحوسو خدمت یافته است. ساس استعمال زور آمریکا به حوسو رسیده که حوسو با سهادهای هم نوسو - کسورهای اسرائیلی اروپایی حوسو و زاپس - نمی تواند زبان سوسنگ پیدا کند. به آنها فرمان صادر می کند که باید فرار داد لولگوشی گاری را که با سوسری سهاده. اجرا کنند. خود را بایسد هیچ مقررات بین المللی سوس داند. سطق او سطق گاسگری است که چون تسلیم نشدی نورا می کنم. قرارداد "کس دیوسد" و طرح "حوسو حوسو" (حصوله سوطه بر حلق فلسطین) به سوسه سوسد. پس این حلق ساس حوسو سوسد.

ما با یک حوسو حوسو طرف هستیم. حوسو که منطقه خاورمیانه را منطقه "منافع حیاتی" خود می داند و حلیج فارس و ایران را "قلب" ساس "منافع حیاتی". ساس برای استقرار محدود سوطه خود بر حوسو منطقه و به سوسه برای بازپس گرفتن ایران، او حاضر است خود را به آب آتش سوسد. سوسه سوطه و به هر اقدامی از جمله اقدامات تجاوزی سطح مستعدی از نوع ماحرا حوسو "طیس" و بدتر از آن سوسل شود و برای توحیه آنها - دام ها - سوسد و سهاها خواهد بود.

اصنام حوسو در سخنرانی روز ۲۱ خرداد. در برابر گروهی از علماء و روحانوز طاش ساحتد و توضیح دادند که آمریکا با سهاده حسابت ایران افغلاسی سوسیت به حلق طلوم فلسطین و رژیم عامت صهیونیستی اسرائیل. طرح تویکته ای را رجعت تا ایران را در دوحوسه به جنگ سهاده. دام این سوطه به نوعی دیگر هم می تواند تعبیه شود. با سوسه جنگ حوسو علیه ایران کسور می یابد.

رفقا باید به همه این مطالب توجه کنند. باید دانسد و به دیگران نیز توضیح داد که اگر آمریکا در سوطههای قلبی خود شکست خورده، خطر آن سوسف سهاده که سهل است تشدید یافته است. خطر آمریکا حوسو است و الحظای نباید از آن بیامل شد. باید توجه کرد و سوسه داد هرگونه نرسه

س بیروهای صداسپریالستی چه به معیاری حیاتی . چه در سطح منطقه و چه در داخل کشور . مشوق ماحراجوسی های امریکا است . برای دفع خطر امریکا باید صفوف همه بیروهای صداسپریالستی را در منطقه بشرد و متوجه بر مابرم در داخل کشور نیز ما باید دست به دست هم بدهیم . از غرضه سهرهزمیم صفوف همه بیروهای انقلابی را صرف نظر از تفاوت های عقیدتی مسلکی و مذهبی آنها . همواره محکم برگردانیم . همه ما باید متحداً آماده دفع هرگونه خطر براندازی باشیم . آبی فراموش کنیم که دین اصلی ما ابرهت است و این دشمنی است فداکار . بی رحم . ماحراجوسی ها خدی که به نقطه می توانند ماحراجوسی های به اصطلاح . در سستی خطیر حمله خاوری صدام و گردن بر آرن . بلکه دشمنی می خواند به ماحراجوسی های سستی شروع طس و بدتر از آن برای براندازی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران جوش جویت .

اندوه ناشی از شهادت آب الله جندوفی را به عرضی پاسخ تر در مبارزه انقلابی
بمدل گنیم .

اندوه ناشی از شهادت آیت‌الله صدوقی را به عرضی راسخ‌تر در مبارزه انقلابی
بمدل کنیم.

این "خط" جنابکارانه آمریکا را "سبا" است که شخصیت‌های موثر
بیرو خط‌امام را از صحنه خارج کند!

روز جمعه باره همراه آیت‌الله صدوقی امام جمعه و نهاده امام در بند
دست جنابکاران ضدانقلابی بیرون شد و به شهادت رسید. خبر شهادت وی
همه‌که از صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران سخن شد. عم و اندوهی رف
- سن بوده‌های ملت‌سوی مردم انقلابی ما برانگیخت. میدان استواران و
حسین بر صد آمریکا و تاک "مرگ بر آمریکا" با شد و حدت فضای
انقلابی سجد. بر او همه می‌دانند که این "سبا" آمریکا است که از اسن
انگلیس درمی‌آید. با شخصیت‌های برجسته‌ای را از سران اسن خط‌امام
حذف کرد. آیت‌الله صدوقی یکی از رنگ‌ترین با این امام و از سران ارجمند
خط‌امام بود و بهای بی‌شمار، صاعده ترک - نیکو است که بر انقلاب وارد آمد.
جناب صدوق آیت‌الله صدوقی "سبا" هم‌زمان با سالکیت فاجعه هفتم بر
انگلیس صد حزب جمهوری اسلامی ایران و سپاه هفتاد و چند جز از حمله
هرجسته‌های سیاسی - مذهبی بر یکی طبر آیت‌الله دگر بهیسی. حبس‌الاسلام
و خدمت‌سپاری و حمی نشانی از ایران و سران صدق امام انجام گرفت. اس
از این فاجعه بزرگ خاک‌داز. امریکای جنابکار بندسب فعال بر او رس. سپه
رحانی. عهد باهر و سن عهد مذوقی. عهد مدعی. عهد معصیت.
عهد هاشمی براد و اسخانی دیکر از سران خط‌امام. از انقلاب ایران گرفت.
این "خط" جنابکارانه آمریکا و "سبا" است که شخصیت‌های موثر بیرو خط‌امام
را از صحنه خارج کند. روز آیت‌الله صدوقی با دیکر همدار می‌دهد که ماند
امام صدای اصلی لازم برای حفظ سلامت شخصیت‌های مسئول و موثر انقلابی.
با حذف تمام ایجاب بود.

هدف آمریکا و جنابکاران مزدورین تنها حذف مقامات موثر انقلابی و
بیروان مبارز خط‌امام نیست. هدف بزرگ این امر جنابکار و نهالین. برانگیختن
حس و عصبانیت. برانگیختن واکنش‌های گسترده حس است. با اندک دمی
می‌توان بوجه شد که هرمان جو کشور. و به آرایش بر صدای رعایت و اجرای
قانون بی‌گدارد. دست آمریکا از آسین جنابکاران بیرون می‌آید. شخصیتی
بیرون می‌شود. انفجاری رخ می‌دهد. تلخ‌سای بریا می‌شود. آمریکا در این صحنه
سخت ضدانقلاب نمی‌خواهد بگذرد. که جو عمومی کشور آرام و عادی گردد.
اس بکده مهمی است که جدیدی پس حبس‌الاسلام و سخانی بدرستی بدان
بوجه داد که برانگیختن حسوت گسترده‌دانی است که ما نباید در آن قسم.
صدا "امریکا با ادامه عملیات تروریستی جنابکاران مزدورین و سووق
تروریسم باید جنابکار و جانیست‌سسه رجوی. می‌خواهد حضور ضدانقلاب
فعال را به چاپش بگذارد تا ضد انقلاب مفعول دلگرم و فعال شود. ولی این نیز
تروریست و نهالین نمی‌دانند و حسی به تحریک نمی‌توانند بفهمند که واکنش
خلق انقلابی سیاحاسه. انقلاب را توانمندتر می‌کند. صفوف انقلابیون راسن
را فرودتر می‌سازد. حضور فعال بوا ههای ملت‌سوی انقلابی را در صحنه نبود
- رأی حفظ و مداوم و بیرونی. بهایی انقلاب باعث می‌گردد. آمریکا و فعال
تروریست با کارین نمی‌تواند. زرقای اس سخن امام را در یک کتشد کند:

"هر شهادتی ملت را به هدف بزرگ نزدیکتر می‌کند."

سازمان و دانشیان خلق ایران "اکبریت" همه اعضا و هواداران سازمان ما
با شنیدن خبر دلخراش شهادت آیت‌الله صدوقی سوگوار شدند. اس عم و
اندوهی که در دل‌های ما است. امی از صدافت انقلابی ماست و بیان اس
حقیقت که ما حسنی از خلق قهرمان انقلابی ایران و خدمتگزار آن هستیم.
ولی ما این اندوه را باید به مهم سازیم راسخ‌تری برای مبارزه انقلابی بدل
کیم با قاطعیت و سنی بیسروی از خط‌امام حمایت کنیم. با صرف بیروی
بیسروی برای پیشبرد اهداف صد امریالیستی و مردمی انقلاب مبارزه کنیم. با
استار و هداکاری بدرستی در راه دسترسی انقلاب به بیرونی نهایی تروریسم.
کمیته مرکزی سازمان ما. به این مناسب اطلاعاتی انتشار داد. و در آن
شهادت آیت‌الله صدوقی. شخصیت ارجمند انقلابی را به امام همیسی. به
هده مقامات مسئول بیرو خط‌امام. به ملت بزرگ انقلابی و قهرمان ایران. به
خانواده و نارماندگان آن خادروان صمیمانه تسلیت گفت.
کمیته مرکزی سازمان ما همچنین طی دو تلگرام شهادت خاک‌داز آیت‌الله
صدوقی را به محضر رهبر انقلاب و بنیانگزار جمهوری اسلامی ایران امام
خمینسی و نیز به حبس‌الاسلام محمدعلی صدوقی تسلیت گفته است. رهبا
در بر من اس دو تلگرام. ا ملاحظه می‌کند.

بار دیگر دست‌انگیزان جنایتکار خون‌نمکی از شخصیت‌های برجسته روحانی و چهره‌های شناخته شده مدافع انقلاب را بر زمین ریخته است. آیت‌الله صدوقی که در مقام یک روحانی بزرگ و اساسی تریف، صدای اعتراض علیه جنایات آمریکا و عمال بلند آن عزم و اراده‌سایبوتها حیوان رزمده ایرانی را در ایستادگی در برابر امپریالیسم و صهیونیسم پیروستدیر می‌کرد، نسبت عمال کور و فریب‌خورده امپریالیسم به شهادت رسیده است. فقدان این مرد بزرگ، سی‌گناه برای همه کسانی که فلسفان برای استقلال و آزادی و سعادت این مردم می‌طلبند بسمار دردناک و اسفناک است. لاکمی ما میر نفیس داریم که منون این شهیدان برای دشمنان خلق و دوستان دروغین آن حر رسواسی و سنگ و ربهومی روزافزون و برای همه یاران راستین خلق هر افتخار و سربلندی و ایمان و قدرت روزافزون نمری نخواهد دانست.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ضمن ابراز انزجار عمیق خود از این جنایت وحشیانه فقدان روحانی بزرگ و مبارز عالمقدر آیت‌الله صدوقی را به حضور جنابعالی تسلیم می‌گوید و برای آن رهبر و همه خدمتگزاران مردم رحمتکس طول عمر و برای همه بحرومان سعادت روزافزون آرزو می‌کند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شهادت جانگداز حضرت آیت‌الله صدوقی پدر ارجمند آن بنامیده محترم، موجی از غم و اندوه را با خیسرسی حسنگبر در نفوس ضدآمریکایی در سراسر میهن همراه کرده است. برور جنابینگارانید روحانی بزرگ و اساسی تریف، آیت‌الله صدوقی بی‌گناه ستانه ضعف و ربهونی و جنون روزافزون دشمنان انقلاب ما و ستانه کینه‌توزی کور عمال فریب‌خورده آمریکایی جنایتکار است. نفیس داریم که خون آیت‌الله صدوقی‌ها، بسان خون همه شهدای انقلاب، صفوف خلق را منسجم‌تر و متحدتر و جنبه دشمنان استقلال و آزادی مردم ما را رسواتر خواهد ساخت.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ضمن ابراز انزجار عمیق از این جنایت وحشیانه فقدان پدر ارجمندبان راهب شعا و همه خانواده محترم صمیمانه تسلیم می‌گوید و برای همه یاران صدیق این انقلاب، عزم و استقامت و پیروزی و سرفرازی‌های روزافزون آرزو می‌کند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در قطنامه سومین سمینار شوراهای اسلامی روستاهای بزرگند، که در هفته جهاد سازندگی برگزار گردید از جمله آمده است:

"از آنجا که مبارزه با ظلم و جور و ستم و فساد در مکتب عزیز ما، از واجبات است، خواستار خلق دید از فتواید و بزرگ مالکین، زالوصفت و حامیان آنان و اجرای هرچه سریع تر و پیاده شدن طرح اصلاحات ارضی اسلامی می باشیم (جمهوری اسلامی پنجشنبه - ۱ تیر)"

این، خواست نه فقط روستائیان رحمتکش بزرگند، خواست همه روستائیان روستایی در سراسر کشور است. دهفانان رحمتکش، در سراسر کشور در هفته جهاد سازندگی با برپایی راهپیمایی ها و سمینارهای شوراهای اسلامی مجدداً و موکداً خواستار تندید که اصلاحات ارضی انجام گردد.

با تصویب کلیات طرح احیاء و واگذاری زمین های زراعی، اسفند ۵۶- که رئیس مجلس آن را عیدی به روستائیان خواند، ۵۵۰ هزار خانوار بی زمین و یک میلیون و ۶۰۰ هزار خانوار کم زمین (آمار از کمیسیون کشاورزی مجلس) در امید و انتظارند که با رفع اسپهات و نواقص این طرح سلطه و ستم دیرینه بزرگ مالکی، از زندگی آنان و از روستاهای کشور رخت بربندد، سراسر کشور در همه جهاد سازندگی شاهد اعلام آشکار این امید و انتظار بحق میسونها دهفانان رحمتکش که به دریغ از اغلاب و دستاوردهای آن دفاع می کنند بود.

پیوند استوار میان توده دهفانان محروم و جهاد سازندگی و هیئت های هفت نقره، این نهاد های انقلابی فعال در روستاها موجب شده است که این نهادها به متانته پشتیبان و یارگر خواست میسونها دهفانان رحمتکش در عرصه سیاسی کشور، از وزن و اعتبار مردمی عظیمی برخوردار باشند. برگزاری سمینار هیات های هفت نقره که در تاریخ ۲۳ تا ۲۶ فروردین ماه ۱۳۶۱ در تهران تشکیل شد یک نمونه بود که اظهار نظر و پیشنهادات مترقی و مردمی آن درباره رفع نواقص و اسپهات طرح قانونی احیاء و واگذاری زمین های زراعی به مجلس شورای اسلامی ارائه گردید.

اکنون که بحث و بررسی پیرامون طرح یاد شده در کمیسیون های کشاورزی و اصلاحات ارضی مجلس جریان دارد بی مناسبت نیست که به ویژگی های مبارزه دهفانان برای حفظ انقلاب و گسترش همه جانبه دستاوردهای آن در لحظه کنونی نگاهی دوباره بینگیم چه رفا و دوستان ما با آگاهی عمیق تر نسبت به این ویژگی ها، در انجام وظایف انقلابی که در این زمینه سرعیده دارند خود را توانمندتر خواهند دید.

۱- مسأله زمین و وضعیت بزرگ مالکین

در شش ماهه گذشته بخصوص در ماههای اخیر، مبارزه دهفانان حول مسأله زمین و انجام اصلاحات ارضی اوج دوباره ای یافته است. در نشانه های چشمگیری از رشد و گسترش مبارزه علیه بزرگ مالکین و سهم گیری و نزدیکی دهفانان بی زمین و کم زمین با هیات های هفت نقره مشهود است. این نزدیکی به میزان قابل ملاحظه ای خواست ها و مطالبات توده ها را در هیات ها انعکاس داده و دید عمیق تر انقلابی و مردمی آنها با سر داشته است.

ظرفی ماههای اخیر، گماکان روستاهای متناقضی ادامه یافت. ضمن اینکه مصادره زمین های بزرگ مالکان در نقاطی توسط هیات ها، دادگاه های انقلاب و توده های دهفانان انجام پذیرفت و از تعدادی از بزرگ مالکین قطع بد گردید. در نقاطی دیگر شراب های از دادگاه های انقلاب و دادگستری حکم به بازرس دادن زمین های مصادره شده بزرگ مالکان داده و رعایت توزیع را پیشک حوسس ساختند. هر چند در دسترس موارد سیاه باسداران از اجرای احکام شراب رد ولی در باره ای موارد پیراس احکام به اجرا درآمدند.

در مجموع می توان گفت که علی عم نطفه متناقض قانون اصلاحات ارضی و عدم حسن تکلیف با وضعیت مالکیت بزرگ مالکان و غلبه عم وجود روستاهای متناقض به دلیل رشد آگاهی توده های رحمتکش دهفانان، تشکیل بدی آنها عمکرد مردمی و انقلابی هیات های هفت نقره جنبای سازندگی و اعلام

موضوع مقامات طراز اول جمهوری اسلامی به سود دهقانان سرزمین و کم زمین و دست مومنی تحولات سیاسی کشور که در جهات مست جریان دانه میزان نمود مالکین بزرگ در روستاها در مرصه‌های گوناگون محدودتر گردیده و نصیبت کلیات قانون اصلاحات ارضی در مجلس شورای اسلامی این امر را مدت بخشیده است. لازم به تاکید است که نفوذ نسبی (ایلماسی - طایفه‌ای) بزرگ مالکین علی‌رغم محدودیت‌های مورد بحث هنوز سر به عنوان عاملی مؤثر در حفظ موقعیت سیاسی آنها و توتیرودنشان در روستاهای سیاسی و اجتماعی بر حسب ویژگی‌های مناطق گوناگون عملکرد دارد.

۲- مشکل‌های روستایی

به میزان رشد سارره دهقانان، علیه بزرگی مالکی در ماههای اخیر، مطالبات نوده‌های زحمتکش دهقانان تنوع و گسترش بیشتری یافته است. جایگزین شدن کامل دولت و نهادهای انقلابی به جای فعال‌میشایی مالکین بزرگ و عوامل آنها در زمینه‌های اقتصادی اجتماعی سیاسی و فرهنگی، در حالت هرچه فعالتر دهقانان در امور خودشان به یکی از مهمترین مسائل جامعه روستایی و کشاورزی کشور بدل گردیده است.

به این دلیل شوراها روستایی به عنوان نهادهای حکومتی - حلقه‌ای که تنظیم‌کننده رابطه نوده‌های دهقانی با ارگان‌های دولتی و نهادهای انقلابی است زمینه گسترش و اهمیت بیشتری یافته‌اند و به لحاظ ضروریات موجود مورد حمایت فعال و همه‌جانبه‌تر دهقانان قرار گرفته‌اند و نقش ارزنده‌تری در زندگی و فعالیت آنها پیدا کرده‌اند.

نگاهی به وضع روستاها در مناطق گوناگون نشان می‌دهد که به علت نقش قابل تاکید شوراها روستایی روستاها در زندگی روستائیان، شوراها مزبور عموماً به تشکیلی مورد پذیرش دهقانان تبدیل گردیده و مورد حمایت همه‌جانبه آنها قرار دارد. برخورد با شوراها غیرفعال و کوشش جهت تجدید اشکالات آنها (در مناطقی که شورا سابقه طولانی‌تری دارد) به عنوان روندی نوظهور چشم می‌خورد.

شوراها روستایی روستاها، علی‌رغم ضعف‌ها و کمبودهای نراوان مثل نفوذ عوامل و عناصر زمینه‌آزاران بزرگ، ترکیب طبقاتی نامتجانس، بی‌توجهی به گوناگونی و تنوع وظایف، شکل‌گیری و عملکرد فردمکانیک و اعمال تنگ‌نظری‌ها کماکان مهمترین، کارآترین و متداول‌ترین مشکل مورد پذیرش روستائیان کشور است.

تشکیل تعاونی‌های تولید نیز به اشکال گوناگون و به درجات مختلف برای ایجاد امکان، جهت تحقق دگرگونی، در اقتصاد کشاورزی و تولید روستایی کشور بطور جدی‌تر مطرح گردیده و کوشش‌هایی هر چند پراکنده، غیر سازمان‌یافته، منطقه‌ای توسط ارگان‌های حکومتی و نهادهای انقلابی در این زمینه چشم می‌خورد.

مراکز خدمات روستایی و نظارتی علی‌رغم اینکه به تعدادی و در مناطقی تشکیل گردیده‌اند، به جهت محدودیت منابع و در بیشتر موارد نیز مراحل اولیه شکل‌گیری و سرگرم سازماندهی هستند. این مراکز عملاً توانایی ارائه خدمات متناسب با این مرحله از تحولات روستاهای کشور را نداشته و به میزان قابل ملاحظه‌ای عقب‌تر از نیازهای موجود است.

واحدهای تولیدی متشاع به عنوان پایه‌های ترین شکل تعاونی‌های تولید که عموماً در سراسر کشور بر روی زمین‌های واگذاری تاسیس گردیده‌اند دارای عملکرد موفقیت آمیز در زمینه جلب و جذب دهقانان به فعالیت‌های تولیدی همه‌جانبه بوده و در بیشتر مناطق کشور تاکنون با اعدم موفقیت مواجه گردیده‌اند. در آن مناطقی که سن کار جمعی ندرتین دهقانان از سوابق طولانی برخوردار است و زمین‌های واگذاری از مرغوبیت و آب کافی بهره‌مند هستند، این واحدها موفقیت‌هایی در ادامه فعالیت تولیدی به صورت متشاعی و در ترغیب و تشویق دهقانان به عضویت در متشاع کسب کرده‌اند، ولی اکثریت واحدهای تولیدی متشاع شکل گرفته در کل کشور که تعداد آنها بر حسب آمارهای رسمی حدود ۶۰۰۰ واحد است به دلیل مشکلات و کمبودهای تولیدی و عدم ارائه خدمات کشاورزی به موقع و نه مقدار کافی برای بهبود وضعیت مدیریت و برنامه‌ریزی، نداشتن جدول کار، ضعف آموزش و عدم امکان کافی بکارگیری ماشین‌آلات کشاورزی، برخورد غیرفعال ارگان‌های دولتی و نهادهای انقلابی با آنها، و در نظر نگرفتن محرک‌های تشویقی برای عضویت در آنها، عملکرد اختلافات قومی و طایفه‌ای و گرایش‌های نگروانه در بین اعضا تاکنون موفقیت چندانی نداشته‌اند.

شرکت‌های تعاونی توزیع و مصرف روستایی باقیمانده از رژیم گذشته که کماکان سازماندهی و مدیریت خوبی را به صورت پیشین حفظ کرده‌اند توانایی توزیع مناسب سازه‌های مصرفی نوده‌های دهقانی را نداشته و تقریباً در تمامی نقاط کشور به دلیل عملکرد بوروکراتیک، سودجویانه و توطئه‌گرانه مدیران، و مسئولان آنها که عمدتاً از عناصر مورد اعتماد رژیم سابق بوده و هنوز بر مصدر کارها باقی هستند، فاقد کارایی مناسب با سازه‌های انقلاب بوده، نه تنها اندک در توزیع سازه‌های مصرفی روستائیان معینده دارد.

دگرگون‌سازی همه‌جانبه این تعاونی‌ها و انطباقی ساخت سازمانی آنها با نیازهای انقلاب، پاکسازی عناصر نامطلوب و مخالف انقلاب و خوددواری آنها و دخالت روستائیان در اداره امور آنها از جمله مسائلی است که به لحاظ اهمیت امر توزیع خدمات کشاورزی و کالاهای مصرفی، در روستاهای کشور باید مورد توجه قرار گیرد.

۲- نهادهای انقلابی، ارگان‌های دولتی و عملکرد آنها

نزدیکی و ارتباط و همکاری نوده‌های روستایی مخصوصاً افشار، یاشایی، روستاها و زحمتکشان سرزمین و کم زمین با نهادهای انقلابی خصوصاً جهاد سازندگی و هیئت‌های هفت نفره به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است جهاد سازندگی به دلیل عملکردهای انقلابی و مردمی به نهادهای مورد پذیرش و مشول در جامعه روستایی کشور تبدیل گردیده و به دلیل نمود گسترده نوده‌های دارای نقشی قاطع در ساخت سیاسی و تحولات جاری مناطق روستایی می‌باشد. هیئت‌های هفت نفره مانند سابق از محبوبیت زیادی برخوردارند.

بهم پیوستگی هات‌ها با سوده‌های محروم و زمینکن دهقانان به دلیل مواضع زایدکال و اغلای اکثریت فریب به اتعای آنها سناج جسکیر و قابل‌ناکند است میزان آگاهی هات‌های هفت نعره از مسائل و معضلات دهقانان زمینکن نه دلیل حضور فعال آنها در معیر و تحولات روساها عمسی و ذهنی بوده و با مطالبات سوده‌ها نبود نزدیک دارد.

هات‌های هفت نعره عس از سده‌های در سطح ضدفقودالی دهقانان سی‌ریس و کم‌ریس، امراض آگاهی‌های ضدفقودالی و ضدامریالیسی آنها و کوسس در جهت سازمان‌یابی آنها در سوزانهای اسلامی روساها دانشه و دارند.

عملکرد سناج پاسداران اغلات در روساها کنور سناج به نهادهای یادنده محدودتر است، سنجگیری عمومی سناج در جهت حمایت از اجرای قانون اصلاحات ارضی و خلع بد از بزرگ‌مالگی بوده و از این جهت ناگاملا در

کنار جهاد و هات‌های هفت نعره قرار داشته است. طی سن ماهه گذشته بارهای از دادگاههای اغلا - و - سی از حکام نوع کماکان به حرکت مسافس خوش در روساها و در رابطه با مسائل ارضی و دهقانی ادامه داده‌اند. دادسزاهای اغلات اسلامی سناج هر نهاد اغلایی دیگر صحنه درگیری‌ها و برخورد‌های حرابات گوناگون و مواهبن و مخالفین اغلات بوده و طعا عملکردهای متناهی آنها از این مساله سرچشمه می‌است.

بنیاد مسیضان که در روساها باغات و مزارع مگاسزه صادره‌نده گسزنده‌های را در اجبار دارد ولی به دلیل مدیریت سناج ضعیف و گاه غیر اغلایی آن، و سی برامگی و بذات‌کاری‌های این ارگان اکثر مزارع و باغانی که در اختیار این بنیاد است تخریب شده و با به صورت غیراقتصادی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. قابل توجه این است که بنیاد در پیشتر موارد باغات و مزارع مگاسزه صادره‌نده را با همان روابط و اساسات زمان گذشته و با همان سوده‌های استمار و برخورد اساسات با زمینکنان و کارگران این مزارع و باغات و خصوصاً که صاحبان طاعونی این اغلات در گذشته آن را اداره می‌کردند. اداره می‌نماید و معیر چندانی در این روابط ایجاد نکرده است. از میان ارگان‌های دولتی، ادارات کشاورزی عمدتاً در روساها فعالیت دارند، سزارم و حکومتی فعالیت واحدهای وابسته به ادارات کشاورزی در مناطق مختلف معمولاً به وضع مسئولان ادارات کل در استان‌ها و محلات سیاسی و اجتماعی آنها و میزان دخالت و نفوذ خط‌امام در این ادارات بستگی دارد. در مجموع به دلیل سلطه سروه‌های خط‌امام بر وزارت کشاورزی این وزارتخانه در روساها، علمبرغم، خرابکاری‌های عناصر لبرال و بوروکراتیک و حرابات قسری در اینجا و آنجا دارای عملکردی مست و مردمی است.

لازم به یادآوری است که میزان نفوذ و اعتبار ادارات تابعه وزارت کشاورزی و سازمان آنها به هیچوجه قابل مقایسه با میزان نفوذ و اعتبار نهادهای اغلایی نیست.

عملکرد پاسگاههای زایداری به عنوان سروه‌های انتظامی روساها با گذشته تغییر چندانی نکرده است به هنگام درگیری‌ها و برخورد‌هایی که بین مالکین بزرگ و دهقانان زمینکن حادث گردیده است زایداری - غالباً به حمایت از مالکین برخاسته و عملکردهایی غیرمردمی داشته است. تاخیر در اجرای قانون اصلاحات ارضی، گفتوها نازدانی‌ها و سی برامگی‌ها از عمده عوامل بروز نازدانی در بین سوده‌های روساهاست می‌باشد. ایجاد و اختراعی با خنم آوزی طومار و مراجعه به ارگانها، ادارات و نهاد‌های اغلایی در سن ماهه گذشته ادامه یافت. اعتراضات زمینکنان روساها قانونی و مسالمت‌جویانه بوده و این امر به ارزیابی مثبت آنها از ماهیت مردمی حاکمیت جمهوری اسلامی و اغلات ساری گردید.

رواجات ضدفقودالی و ضدامریالیسی دهقانان زمینکن سناج بالاس و بدین ماههای اخیر اغلای قسری یافته است. سهم زمینکنان روساها در حمایت از جنبه‌ها و پشت جنبه‌ها در حوز توجه و قابل تکیه است. حمایت آنها از جنبه و رزمندگان جنبه جنگ برای دفع تجاوز امریکایی سدام، از حرکت فعلی جوانان روساها، در واحدهای سیخ مردمی سناج پاسداران اغلات و حضور فعال و گسزنده روسارادکان در جنبه‌ها و کمک‌های مالی و جنبشی و ارائه خدمات گوناگون به پشت جنبه‌ها مشهود است. روحیه از خودگذشتگی، دفاع از اغلات و جمهوری اسلامی و تحمل محرومیت‌ها و کسودها علمبرغم ایجاد کرده آن‌ها از آگاهی رشدیافته سیاسی دهقانان، درک ضرورت دفع حاور، درک ضرورت مبارزه برای حقا و مداوم و گسزین اغلات سرچشمه می‌گیرد.

۴ - مطالبات و خواست‌های سوده‌های دهقانی

انجام اصلاحات ارضی، قطعیت‌یافتن وضع مالکیت‌ها و صدور سند برای ریس‌هایی که به روساها واگذار گردیده و سیر حصول طرح احداث و واگذاری اراضی مزروعی چنانکه سی‌اسام و مشخص باشد (کلیات آن مورد تصویب مجلس قرار گرفته است) - کماکان در این خواست‌های دهقانان سی‌ریس و کم‌ریس جای دارد. همچنین رفع سیم حواش و رؤسای ابلاط و طواعی از رودکنی سوده‌های محروم عمایر و دفع تر این سمنگران از دیگر خواست‌های دهقانان زمینکن بر سزارم کنور است.

تأمین آب زراعی و ایجاد سازماندهی اصولی جهت توزیع مناسب، منظم و به مقدار کافی و به موقع آن، تأمین ماشین‌آلات کشاورزی و قطعات یدکی و سوخت، سروسامان بخشیدن به وام‌ها و تسکین‌های اعتباری و به سنج آن کوتاه کردن دست واسطه‌ها و سلف‌خران و سزولحواری و همکاری نهاد‌های اغلایی در زمان کاشت و برداشت محصول در میان مطالبات دهقانان زمینکن از اهمیت و سزای برخوردار است. علاوه بر ضمن خرید وسیله تحمولات، ایجاد نظم و سربست در توزیع کالاهای مصرفی و تجدید سازمان تعاونی‌های توزیع و مصرف باقی‌مانده از رژیم گذشته تأمین آب آشامیدنی، بهداشت و درمان و سزی و احداث آبسه عمومی - درمانگاه، مدرسه، حمام، مسجد و غیره و سز راه‌های روستایی و سایر اقدامات عمرانی سناج به ویژگی‌های منطقه‌ای و محلی مورد توجه و مطالبه روساهاست کنور می‌باشد.

رفقا و دوسان، به همه بگات و مطالب و مسائلی که در این سزسی گویا ند توجه دهنی کند، تا به سهم خود بتوانند در زمینه مسائل روستایی و اصلاحات ارضی، سیرمحسن به فعالیت نمایند.

گسترش همکاری با کشورهای سوسیالیستی
فائق پهلوی پیروزمندانه درست استقلال و شکوفایی اقتصادی کشورمان است.

دیدار اخیر هیات‌های اقتصادی جمهوری اسلامی ایران از کشورهای سوسیالیستی گامی مثبت بوده است که می‌تواند به گسترش همکاری با کشورهای پیشرفته سوسیالیستی برای برآوردن نیازهای رشد اقتصادی کشورمان باری رساند.

در دیدار هیات بلندپایه ایرانی به سرپرستی آقای سلامتی وزیر کشاورزی و عمران روستایی از کشور مجارستان، طرفین موافقت کردند در "پنج رشته کشاورزی صنایع غذایی، بهداشتی، داروسازی، انرژی هسته‌ای و مالی و بانکی" برای همکاری‌های اقتصادی و فنی بین دو کشور اقدامات اساسی بعمل آید. معاون رئیس جمهور مجارستان در دیدار با هیات اقتصادی کشورمان اظهار داشت:

"ما در جهت مبارزه با امپریالیسم احتیاج به اتحاد و توافق داریم و امیدواریم دیدار شما از کشور ما هرچه بیشتر در خدمت این هدفها قرار گیرد. هیات ایرانی به سرپرستی آقای سلامتی از بلغارستان نیز دیدن کرد. در این دیدار نمایندگان دو کشور یادداشت تفاهمی امضاء کردند و موافقت شد کمیته‌ای در سطح مقامات دولتی دو کشور به منظور بررسی همکاری در زمینه‌های اقتصادی فنی و علمی تشکیل شود و نسبت به مسائلی که در یادداشت تفاهم آمده است، تصمیم نهایی اتخاذ کنند.

همچنین یک هیات به سرپرستی معاون وزارت نفت و مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی، برای بررسی امکانات همکاری بین ایران و کشورهای یوگسلاوی و چکسلواکی در زمینه صنایع پتروشیمی از این کشورها دیدن کرد. بدون شک اگر این اقدامات مثبت را در قیاس با نیاز اساسی انقلاب ما برای گسترش همه جانبه همکاری با کشورهای سوسیالیستی و ضدامپریالیستی در نظر بیاوریم، اگر در نظر بیاوریم که بازاری یک اقتصاد از هم گسخته و عمیقاً وابسته به امپریالیسم و دست‌پاسی به استقلال و پیشرفت اقتصادی به سوی خودکفایی جز از راه همکاری با کشورهای ضدامپریالیست، به ویژه کشورهای پیشرفته ضدامپریالیستی ناممکن است، آنگاه لزوم اقدامات جدیدتر و همه‌جانبه‌تر مشخص می‌گردد.

در ماههای اخیر ما شاهد عقد قراردادهای کلان اقتصادی با کشورهای پاکستان، ترکیه، سوریه و آذربایجان بوده‌ایم. همه این کشورها زیر سلطه سیاسی و اقتصادی امپریالیسم اند. در همه آنها دیکتاتوری‌های نظامی دست نشانده امپریالیسم آمریکا حکومت می‌کنند. رژیمهای مرتجع این کشورها، با صدور حلقه‌های مافوق امپریالیسم، دشمنان خودخواه حلقه‌های کشور خود، واران و مزدوران امپریالیسم در مبارزه با سایر حلقه‌های جهان، از جمله در مبارزه با انقلاب ما هستند.

اقتصاد این کشورها با هزاران رشته به انحصارات امپریالیستی وابسته است. آنچه این کشورها بصورت کالای صنعتی تولید می‌کنند، عموماً چیزی جز برهم زدن کالاهای امپریالیستی نیست و آنچه برای فروش به ما عرضه می‌کند همان کالاهای کپیورهای امپریالیستی است که این بار مهر دیگری بر آن حورده است. بر واقع این رژیمها نقش واسطه و محل را در آب کردن کالاهای کشورهای امپریالیستی عمده می‌گیرد.

بدون شک سلطه ماسات با چنین رژیمهایی و عقد قراردادهای کلان اقتصادی با آنها، به تنها دلیل "کوچک بودن آنها کمکی به استقلال و پیشرفت اقتصادی ما نمی‌کند، بلکه دلیل وابستگی آنها به امپریالیسم و غارتگری است. نسبت به انحصارات امپریالیستی، تماماً در خدمت تحکیم امپریالیسم و حفظ وابستگی اقتصاد ما و برآوردن کالاهای مصرفی امپریالیستی به کشور ما در می‌آید. استقلال همه جانبه ملی که آماج مقدم و اساسی انقلاب ما است، تنها هنگامی تحکیم می‌یابد که ما به استقلال اقتصادی دست یابیم. یعنی همه وابستگی‌های اقتصادی به امپریالیسم را از میان برداریم و اقتصاد کشورمان را با هدف باسنگینی به نیازهای مردم، از مایه بردن بهره‌کشی و سهم طغیانی و فاسد خدایان احتیاجی بازاری کنیم. سلطه استقلال اقتصادی، بی‌بازی و گسترش صنایع مادر و سنگین، درجه اول و صنایع سنگین، درجه دوم است. کشاورزی نیز سنگینی به صنایع می‌تواند مدبره شود و سوی خودکفایی پیش رود. و در این راه، بخشی راه صنعتی کردن کشور، حرکت از کشورهای سرمایه‌داری - دشمن استقلال و آزادی مردم ما - ما را یاری می‌کند و حرکت از کشورهای ضدامپریالیست کم رشد نیز می‌تواند به ما کمک اساسی بیاورد. تنها کشورهای سرمایه سوسیالیستی که دارای امکانات عظیم صنعتی فنی و اقتصادی هستند می‌توانند ما را در بی‌بازی و گسترش صنایع اعم از سنگین و سبک و تعمیر خط تولید صنایع مونتاژ به صنایع مولد و مستقل توسعه و توسعه کشاورزی و دیگر رشته‌های مهم تولیدی باری رسانند.

همه کشورهای ضدامپریالیست در حال ریشه‌کنی فئودالیسم، احرار، سوریه و یمن دموکراتیک و دهها کشور دیگر با درک همین واقعیت اکنون از باری می‌مانند و برابر حقوق و همه جانبه کشورهای سرمایه سوسیالیستی، برای بی‌بازی و گسترش صنایع توسعه و توسعه کشاورزی و بازاری اقتصاد خود را هدف کسب استقلال کامل بهره‌مند می‌شوند. ایران انقلابی ما سازماندهی حادی به این آرمون‌های هزاربار آرموده شده، کشورها و سرزدهای انقلابی جهان است.

بدون شک دیدار هیات‌های ایرانی از کشور دوست سوریه، دیدار هیات بلندپایه لیبیایی از کشور ما و دیدار اخیر هیات‌های اقتصادی ایران از کشورهای سوسیالیستی می‌تواند انقلاب ما را در بهره‌گیری از باری دوسان و بهره‌مندی از تجارت آنها مددگار بماند.

کوشش برای کسری همکاری با کشورهای دوست، تا حد باسخگویی همه
جانحه به الزامات باره مردم ما علیه امپریالیسم جهانی بسرگردگی آمریکا
و تا جایی جازمندیهای رشد اقتصادی - اجتماعی کشورهای، یکی از عرصه‌های
عده باره انجمنی ما است

انند که این نهادها، سنت‌های ایرانی از کشورهای دوست
با هکتای اتحاد هر چه مستحکمتر کشور ما با کشورهای ضد امپریالیسم جهانی
بویژه با کشورهای سوشالیستی بیسرفه و با هکتای بیسرفه‌مندی همه جانبه انقلاب
ما از همکاری با آنها بر مبنای برابری حقوق و رفع مغایلات عادلانه در جهت
تسری به استقلال و شکوفایی اقتصادی باشد که ضما "باعتن تحکیم و تقویت
استقلال ملی کشور ما نیز خواهد بود.

نامه سرگشاده حزب توده ایران به مقامات مسئول جمهوری اسلامی
ایران سندی که دارای اهمیت تاریخی است

کمیته مرکزی حزب توده ایران در تاریخ بیست و هشتم اردیبهشت
۶۱، نامه سرگشاده‌ای خطاب به مقامات مسئول جمهوری اسلامی
ایران انتشار داد که طی آن یکی از عناصر مهم توطئه عظیمی که
دشمنان جهانی و داخلی انقلاب ایران طرح‌ریزی کرده و پیگیرانه
دشمنان می‌کنند افشاء شده است. در این نامه سرگشاده نسبت به
خطر بزرگی که در این لحظه حساس از تاریخ میهنمان متوجه انقلاب
است به مسئولان جمهوری اسلامی، مردم و همه نیروهای مدافع
انقلاب هشدار داده است.

" نامه سرگشاده حزب توده ایران به مقامات مسئول جمهوری
اسلامی ایران " سند تاریخی با اهمیتی است که در این لحظه
حساس از تاریخ کشورمان انتشار می‌یابد. قسمت‌هایی از این سند
تاریخی پراهمیت را در زیر می‌خوانید :

... مسلما شما برادران ارجمند اطلاع دارید که پس از پیروزی انقلاب حزب توده ایران فعالیت علنی خود را بر پایه اعتبار به موضع گیری امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در زمینه آزادی فعالیت سیاسی احزاب و سازمان های پیرو سوسیالیسم علنی در چارچوب قانون اساسی ایران و به شرط آن که علیه نظام جمهوری اسلامی ایران روشی مبتنی بر توطئه به منظور براندازی نداشته باشد ، دوباره آغاز کرد .

... حزب توده ایران در این دوران تمام توان و نیروی خود را در جهت تثبیت و تحکیم و گسترش دستاوردهای گرانسپای انقلاب شکوهمندان بکار انداخت و هیچگونه توهین افتراء ، اتهام ، کارشکنی ، مزاحمت و دشمنی آشکار و پنهان با راهی که در پیش گرفتاریم و بدان صادقانه معتقد هستیم ، بازدارد و به کمترین درجه ای منحرف سازد .

... درست به همین علت حزب توده ایران از همان آغاز مورد کین تیزترین و آشتی ناپذیرترین خصومت همه دشمنان انقلاب ، از امپریالیسم امریکا گرفته تا گردانندگان گروهها و گروهکهای حادثه جو و واژدگان چپنا و چپرو قرار گرفت . درست به همین علت مسئله ناتوان ساختن و درهم شکستن و نابودی حزب توده ایران به یکی از عمده ترین رهنمودهای امپریالیسم امریکا به دستاران خود و به یکی از عمده ترین مواد برنامه عمل روزانه همه داز و دسته های ضد انقلابی ساواکی - سلطنت طلب ، لیبرال توطئه گر و چپرو سدل گردید .

... ما تردید نداریم که نابود کردن حزب توده ایران یکی از عمده ترین و مهم ترین هدف های کودتای قطب زاده و همدستانش بوده است .

برادران ارجمند ۱

... شما خوب می دانید که این کینه آشتی ناپذیر و عطش نسکین ناپذیر به خون تودهای ما تنها و تنها به این علت است که حزب ما بر پایه تجربه و شناخت سیاسی - اجتماعی خود ، نقش بسیار موثری در افشای توطئه های رنگارنگ جنبه متحد ضد انقلاب در خنایانیدن چهارمغای گریه ناکندار عناصر خود فروخته که خود را در صفوف بالایی نیروهای انقلاب جا زد می بودند ، ایفاء کردیم است . این کینه برای آن است که حزب توده ایران بدون تزلزل و تردید از آماج های پیدامپریالیستی ، ضد استبدادی و مردمی انقلاب ، که زیر رهبری بردارایت شخصیت بزرگ مذهبی ، ملی و سیاسی حسین یا ایام خمینی به پیروزی رسید ، دفاع کرد و در این راه آن همه غلظتی تلخ جان فروگذار ننمود .

برادران ارجمند ۱

... چه نظر قادر نیایه همین واقعیت است که باید عملکرد آن نیروهای را در جامعه ایران مورد بررسی موشکافانه قرار داد که با به پای شکست هایی که انقلاب ایران به جنبه متحد ضد انقلاب وارد می سازد ، کینه و دشمنی نسبت به حزب توده ایران و کشورهای سوسیالیستی پشتیبان انقلاب ایران را افزایش می دهند و هر روز دیوانهوارتر دامن می زنند . این نیروها می کوشند تا با بکار انداختن همه امکانات خویش ، از شمشیرزوبانی و ولگردان گرفته ، تا برونده سازی به کمک مواطی نمانند کمتری ها ، که در نهادهای انقلابی جا زدند ، از یک سو افراد حزب توده ایران را مرموب کنند و از این راه فعالیت علنی حزب ما را در جامعه غیرممکن سازند و از سوی دیگر فعالین حزب را به عناوین گوناگون ساختگی ، به زندان باندازند و با جوسازی ، نهادهای انقلابی را آشفته زیر فشار بگذارند ، تا بطور رسمی از فعالیت حزب توده ایران جلوگیری نمایند .

واقعیت امروز جامعه ما چنین است که ، علیرغم رهنمودهای صریح و بدون خدشه امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران درباره فعالیت آزاد احزاب سیاسی غیرمصارف ، که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم بطور

روشن بازتاب یافته و مورد تأکید طایفه مردم انقلابی مبین ما نیز قرار گرفته است. علیرغم اعلامیه ۱۰ ماهی دادستانی کل انقلاب اسلامی، که پس از انتشارش در فروردین ۱۳۵۹، بارها و بارها مورد تأکید مجدد همه مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت است. علاوه بر امکانات فعالیت سیاسی از حزب توده ایران گرفته شده است و عده زیادی از افراد و هوادارانش تنها به اتهام هواداری از راه و روش و موضع گیری سیاسی حزب ما به زندان افکنده شده اند. و این همه در حالی است که در دوران سه ساله پس از پیروزی انقلاب، از طرف مقامات مسئول بطور مشخص و روشن، حتی یکبار هم عملکرد سیاسی حزب توده ایران مورد اعتراض و انتقاد رسمی قرار نگرفته است.

... از همه اینها خطرناکتر و حیرت انگیزتر اقدام افرادی است که با استفاده از تواضعی که بر نهادهای انقلابی اغفال گردانند، رسماً مردم را به کشتار هواداران حزب توده ایران دعوت می کنند. ... اگر مجموعه این اقدامات را در چارچوب رهنمودهای شیانه روزی برادریهای صدام آمریکا، سی. سی. سی. اسرائیل، آلمان غربی و همه فرستنده های ضدانقلابی مربوط به رسماً نیم پهلوی اوسلی و بختیار در زمینه لزوم درهم شکستن حزب توده ایران ترکیب کنیم، جبراً به این نتیجه می رسیم که امپریالیسم و ضدانقلاب می گویند، تا از راه گروه های وابسته به خود و افرادی نظیر کشمیری و گلاهی، که در نهادهای جمهوری اسلامی ایران نمود گردانند، زیرنام "دفاع از اسلام" و حتی زیر نام "پروان اسام خمینی" همان رهنمودی را که قطب زاده به بارانش داده است عملی سازند.

... تأسف و تعجب ما در این نیست که دشمنان حزب ما به چنین اقدامات رذیله ای دست می زنند. اینگونه رذالت ها برآزنده آنان است. تعجب و تأسف ما این است که برخی از مسئولان جمهوری اسلامی ایران نیز در چنین دامی می افتند.

برادران ارجمند!

... بدون تردید شما کاملاً اطلاع دارید که نه تنها در مطبوعات و رسانه های گروهی وابسته به ضدانقلاب و گروه های آمریکا ساخته و امیکان زاده و ماجراجو، بلکه ستاخانه در مطبوعات و رسانه های گروهی وابسته به حاکمیت جمهوری اسلامی نیز طی ۳ سال گذشته از وارد آوردن همه گونه توهمین و افترا و اتهامی نسبت به حزب توده ایران و مسئولین آن، کوتاهی نشده است. بدون اینکه حتی یک بار هم به یکی از شکایات متعدد ما نسبت به این اتهامات تازا، در یکی از مراجع قانونی رسیدگی عمل آید.

برادران ارجمند!

... این اتهامات، غیر از برخی اشتباهات صادقانه در گذشته، که حزب ما پیش از همه خود آنها را پذیرفته است، جز فریغ چیزی نیست. این اتهامات جرم ما نیست. جرم ما این است که از دیرباز راه انقلاب ایران را به درستی تشخیص دادیم. جرم ما این است که دوستان و دشمنان انقلاب ایران را، چه در درون مبین و چه در صحنه جهانی به درستی شناختیم و با روشنی و بگیری بر مواضعی که به آن صادقانه معتقد هستیم، ایستادیم.

جرم ما این است که ما بهت لبرالها، امپریالیسم ما، بتی صدمه ها، قطب زاده ها، بازگان ها، بزدلی ها، صایمان ها، قاسی ها و سنجایی ها را به عنوان امید و تکیه گاه امپریالیسم آمریکا، به موقع افتخار کردیم. جرم ما این است که از سال ۱۳۵۲ بدون هراس از مواضع آن برای خودمان، شریعت داری ها را به عنوان نیروی ضدانقلابی به مردم ایران معرفی کرده و از روحانیت و سلطنتان مبارز پیرو خط اسام خمینی پشتیبانی کردیم. جرم ما این است که سرچشمه اساسی همه جریان های خائنه و ضدانقلابی را، که همان نظام فاسقانه کلان سرمایه داری و بزرگی طلکی وابسته به امپریالیسم است، شناختیم و ما بهت خونخوارش را بر زبان ساختیم.

اینهاست جرم های سنگین و گذشت ناپذیر ما! اینهاست علت عطش تسلی ناپذیر دشمنان حزب ما به خون توده های ما! اینهاست علت اساسی تلاش جنون آمیزی که در ماه های اخیر برای پرونده سازی علیه حزب ما به راه افتاده و هر روز ایجاد گسترده تری به خود می گرداند!

... ما به وسیله این سند تاریخی رسماً اعلام می داریم که معرف حزب توده ایران تنها و تنها عملکرد عام حزب ما است. موضع گیری و حتی عملکرد نادرست این با آن فرد هوادار و یا حتی فرد حزبی، معرف ما بهت و سیاست و عملکرد حزب نیست و نمی تواند باشد.

... در هفته های اخیر از چهار سو غیر می رسد که به زودی "توده کشی" آغاز خواهد شد. و برای این منظور نیروهای مسلحی تلاش می کنند تا با پرونده سازی رذیله به سیاست حزب ما را مورد سؤال قرار دهند و اینطور القا کنند که گویا حزب ما در جهت سفلی ساختن سازمان های خود و تدارک مبارزه مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ایران کام برمی دارد. این رذیله نغزترین افتراهای است که دشمنان انقلاب ایران به حزب ما وارد ساخته اند. حزبی که عام سیاست و فعالیتش در جهت مخالف یک چنین افتراهایی بوده و هست، و بدون تردید تا هنگامی که خط اسام خمینی، خط حرکت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران باشد، خواهد بود.

ما با روشنی و قاطعیت اعلام می داریم که: حزب توده ایران نه تنها درصدد تدارک مبارزه مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ایران نیست و نمی تواند باشد، بلکه با تمام نیروی خود علیه گروه ها و گروهک های عمل کرده و می کند که خواه آگاهانه، در چارچوب سازش با ضدانقلاب، و خواه ناآگاهانه بر اثر شناخت نادرست از ماهیت انقلاب ایران، در چنین راهی گام گذاشتند.

... ما رسماً اعلام می داریم که حزب توده ایران خواستار فعالیت قانونی عینی در چارچوب حقوق و وظایف وآرادهای تصریح شده و تضمین شده به وسیله اسام خمینی و قانون اساسی است.

ما رسماً و ملنا در مقابل تاریخ اعلام می داریم که حزب ما، با همان روشن معتقدات سیاسی، اجتماعی و فلسفی خود، خواستار همکاری صمیمانه و صادقانه با نیروهای مبارز مسلمان - پروان راستین خط اسام خمینی است و به این همکاری نه در چارچوب مسائل گذرا و کوتاه مدت، بلکه در چارچوب درازمدت برای رسیدن به همه آمواج های انقلاب نگه مندیمان، کمدنر قانون اساسی جمهوری اسلامی ثبت شده است. یعنی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی معتقد است.

برادران ارجمند!

..... بدون تردید به شما اطلاع داده اند که در تهران و شهرستانها با سرعت بی سابقه ای شعارهای "مرگ بر شوروی" "مرگ بر تودمای و مرگ بر فدایی" بر دیوارها و روی زبسرها، جانشین شعار "مرگ بر آمریکا" "مرگ بر اسرائیل" می شوند. و این در ترائخی است که اسام خمینی و همه مسئولان طراز اول جمهوری اسلامی ایران بر لزوم تکیه هرچه بیشتر روی شعار "مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل" تأکید می کنند. آری، اینان شوروی تودمائی و فدایی را مطرح می کنند، تا امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم و سلطنت طلبان و قطب زاده ها و اراکلی ها فراموش شوند. ((

با تقدیم احترام
کمیته مرکزی حزب توده ایران
دبیر اول: نورالدین گمانوری
بست و هشتم اردیبهشت ۱۳۶۱

روزهای آخر خرداد ۱۳۶۱ برای سازمان ما، روزهای بزرگ و تاریخی است. کمیته مرکزی سازمان در این روزها به بررسی مجدد موضوع اساسی پرداخت و در روز ۲۷ خرداد ۱۳۶۱ تصمیمات مهمی اتخاذ کرد. همه تصمیمات به اتفاق آراء، از طرف اعضاء کمیته مرکزی سازمان اتخاذ گردید.

کمیته مرکزی ما تا به این گامها طرح برنامه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برای پیشبرد همه جنبه‌های انقلاب و تشکیل جمهوری اسلامی ایران بر راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، که در هیات سیاسی کمیته مرکزی تصویب رسیده است، به هیئت سیاسی اختصار و مأموریت داد که آن را مستحضر در دستور مطالعه رفیق و همه جانبه همه ارگانهای سازمان، کمیته‌ها و حوره‌ها در سراسر ایران، قرار دهد. تا هرچه بیشتر آنها فراگیرند و سازمان خود را سلاح نیرومند برنامه محبوس سازند. علاوه بر این، کمیته مرکزی از همه ارگانها، کمیته‌ها و حوزه‌های سازمانی در سراسر کشور درخواست کرده است پیشنهادهای اصلاحی خود را به کمیسیون تدوین برنامه ارسال دارند، که مورد بررسی و استفاده قرار گیرد تا در صورت تصویب، در برنامه گنجانده شود.

در نشست ۲۷ خرداد ماه، پس از انجام نظیراتی در کمیته مرکزی، هیات سیاسی کمیته مرکزی و هیات دبیران کمیته مرکزی و نیز دسر اول کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) انتخاب گردید. افتخار و مسئولیت بزرگ مقام دسر اول سازمان، به توفیق عزیز و ارجمند فرخ نگهبان واگذار شد. با تدوین و تصویب طرح برنامه سازمان، با تدوین و تصویب اساسنامه سازمان که در جریان اجرا و استقرار است و با گزینش همه ارگانها و سطح مراتب سازمانی تا دسر اول سازمان، اینک سازمان ما در تمامی جهات تا سطح سازمان سیاسی طراز نوین لایتنی طبقه کارگر ارتقاء یافته است و می‌تواند انضباط و ضوابط زندگی لایتنی حزبی را در سازمان برقرار نماید.

با تدوین طرح و برنامه و مجری شدن همه اعضاء سازمان با این سلاح نیرومند ایدئولوژیک - سیاسی، و با تکمیل دستگاه رهبری و استقرار اساسنامه، سازمان ما سستی از پیش قادر می‌گردد از صحنه انجام وظایف خود در پیشبرد همه جنبه‌های انقلاب و تشکیل جمهوری اسلامی ایران در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی برآید. با این تصمیمات، ما به فقه رضایی که بر فرازش وحدت گردان‌های پیمانگ طبقه کارگر ایران - حزب بوده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تحقق می‌یابد نزدیکتر شده‌ایم.

بدین شک تصمیمات ۲۷ خرداد ۱۳۶۱ نیز بر طبق تصمیمات پلنوم‌های سپه‌ماه ۱۳۵۸ آذر، ۱۳۵۹ اسفند، ۱۳۵۹ خرداد، ۱۳۶۰ و آذرماه ۱۳۶۰ نیز در شرح سازمان ما جاودانه خواهد ماند. سازمان ما در این روزگانی شجاعانه و مطمئن به پیش می‌رود.

اتفاق آراء کمیته مرکزی در اتخاذ یکایک تصمیمات اخیر نه فقط سازمان وحدت ایدئولوژیک و سیاسی، نظام، همفکری خلاق و هم‌رزی در کمیته مرکزی و دیگر صحنه آن از نظری وحدت آفرین مارکسیسم - لنینیسم است، بلکه همچنین سازمان سطح عالی انجام مگر و سیاسی و بلوغ و پختگی فزاینده تمام اعضاء سازمان است که در اتفاق آراء اعضاء کمیته مرکزی ازتاب یافته است.

انگیزه سازمان ما، پس از افتاء و طرد مواضع انحرافی و شکست اقدامات توطئه‌گرانه مانند گشتگر - طبل‌رودی، از وحدت ایدئولوژیک و سیاسی همه خانه و کسبی می‌بافتد در دستگاه رهبری و در تمام سازمان برخوردار شده و این سلاح توانمند و سی‌بدلی برای پیشرفت شتابان و به‌روزسازان در تمام عرصه‌های زندگی درون سازمان و بیرون سازمان است.

آری روزهای آخر خرداد ماه ۱۳۶۱ برای سازمان ما روزهای بزرگ و تاریخی است. در این روزها سازمان ما آخرین مراحل تکاملی دشوار را هم پشت سرگذاشت، و راه ناس وحدت همه خانه گردان‌های پیمانگ طبقه کارگر ایران را صوابتر ساخت.

همه اعضاء سازمان، ارگانها، کمیته‌ها و حوزه‌ها افتخار می‌کنند که توانستند طی مبارزات دشوار، راه درست را تشخیص دهند و انواع کج‌راه‌های ایدئولوژیک و سیاسی را پیش‌اندازد و از پیش‌پای بردارند و سرانجام سازمان خود را به چنین مرحله و سطح عالی از تکامل برسانند. این انجام و وحدت دستگاه رهبری، این گذار به‌روزسازان از دشواری‌ها، این پاکسازی فرورانگیز سازمان از هرگونه انحراف، کمر درفشان کوشش و مبارزه مستمر همه اعضاء سازمان است. باید که با وحدت همه جانبه پیمانگ طبقه کارگر ایران، که آماج بزرگ همه این کوشش‌هاست، و کفیه شریک و برهم خود را در پیشبرد همه جنبه‌های انقلاب و تشکیل جمهوری اسلامی ایران در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی هرچه نااستوارتر می‌توانیم.

فرخ نگهبان
دسر اول کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رفیق فرخ نگهبان در سال ۱۳۲۵ و در یک خانواده متوسط کارمندی دنیا آمد. در نهم سالگی ۲۲ - ۱۳۳۸ در مبارزات سیاسی فعالیت شرکت داشت.

در مرداد سال ۱۳۲۲ بمضویت گروه جزئی درآمد. در سال ۱۳۲۴ به دانشکده
فنی ایران راه یافت و حتی معالی در جنبه دانشجویی سرعیده گرفت. در سال
۱۳۲۶ همراه با رفیق جزئی وعده دیگری از اعضای گروه دستگیر شد. در ۱۳۲۹
بلافاصله بعد از آزادی از زندان به گروه پیوست. رفیق مرغ نگهبان دوباره در
سال ۱۳۵۰ دستگیر شد و تا سال ۱۳۵۶ را در زندان های ساواک بسربرد. پس
از آزادی مجدد، دوباره به سازمان پیوست و در سال ۱۳۵۷ به عضویت هیات
رهبری سازمان درآمد و در ۲۷ خرداد ۱۳۶۱ از سوی کمیته مرکزی سازمان
فدائیان خلق ایران (اکتوب) به اتفاق آراء به عنوان نخستین دبیر اول
سازمان برگزیده شد.

رفیق مرغ نگهبان در شکست کامل مائوئیسم و همه اشکال انقلابیگری کاذب
در سازمان، در هدایت سازمان بسوی استقرار در مواضع اصول مارکسیسم -
لنینیسم در تهیه برنامه سازمان به برنامه و خط مبنی صحیح برای پیشبرد همه
حائز انقلاب، در مبارزه با خطر اتحاد با همه نیروهای خلق و در مبارزه با خطر
ناسی وحدت فکری و سازمانی پیمانشک طیف کارگر ایران نقش موثری در سازمان
برعهده داشته باشد.

حتی از آثار و مقالات منتشر شده رفیق، که مجموعه آن در عین حال
آشنابست از خط فرارشد زرفش اندیشه انقلابی سازمان، عبارتند از:
بازهم درباره وظائف اساسی (آبان ۱۳۵۷)، سازمانی با رژیم شاه خیانت
به سازمان مسردم است (آذر ۱۳۵۷)، درباره اعمال فخر انقلابی پیشرو
(آردیبهشت ۱۳۵۸)، پاسخ به مصاحبه آنزف دهقانی (تیرماه ۱۳۵۸)، چرا
مرکز جاسوسی آمریکا تسخیر شد (آبان ۱۳۵۸)، برایون شعار مرگ بر امپریالیسم
جهانی سرگردگی امپریالیسم آمریکا متحد شویم (آردیبهشت ۱۳۵۹)، خطری
بر پیشداوری های منتخبین (تیر - مرداد ۱۳۵۹) - صدور ضدانقلاب: هدف
امپریالیسم آمریکا از جنگ تهاووزگاران رژیم عراق (مهر ۱۳۵۹) - نامه به
سجاده بن خلق (دی ۱۳۵۹)، درباره سالک مرزبندی در جنبش کمونیستی
(بهمن ۱۳۵۹)، دولت ساحرو ناکتیک جدید امپریالیسم (اسفند ۱۳۵۹)،
ردياسی ناکتیک امپریالیسم (مرداد ۱۳۶۰)، علیه فراکسیونسم (دی ۱۳۶۰)،
در راه وحدت (بهمن ۱۳۶۰).

آثار رفیق به نوبه خود نقش بسزایی در آرزوهای در تصفی خطت انقلابی سازمان
و رشد کیفی سرروهای آن ایفا کرده است.

شبه ۱۵ خرداد ۶۱ مردم فهردان ایران با فریاد برگ بر آمریکا، در حالیکه روی سرجم آمریکا زره می‌ریختند، خاطره تمام ۱۵ خرداد را گرامی داشتند.

تمام ۱۵ خرداد ۲۲ که طبعاً بی شبهه روزم امریکائی شاه بود رمانی روی داد که ملک امپریالیسم آمریکا در سپستان حکم می‌تابد. به سپای ورنکسنگی و فخر و آوازی سلوونیان از ریحکنان شهر و روسا، طرح‌های نارهای از عارت امپریالیستها و کلان سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان و آنسه به امپریالیسم به اجرا درمی‌آمد و احسان و دیکتاتوری در اتحاد حاکمان اجناس در حال قوام بود.

از مجموعه اسادی که از این رویداد بیادگار مانده است می‌توان دریافت که ماصر اصلی خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی که در استای انقلاب، زکوهندگان حاضر هرچه مستحق است در تمام باورده خرداد الهام می‌دهد. در این روز چون گفتند.

تمام ۱۵ خرداد چون گذشته شد. لکن مردم انقلابی سپستان به مبارزات قهرمانانه خود علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم دست‌نشانده آن ادامه دادند و سرانجام در ۲۲ شهری ۵۷ با سرکوبی رژیم امریکائی شاه راه رسیدن به آماج‌های ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب، نگهبانان به وهری امام خمینی یعنی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی را گنودند.

سارمان ما، برای بزرگداشت خاطره تمام ۱۵ خرداد ۲۲ طی اطلاعهای از مردم حواص که در اهلیاسهای بزرگداشت این روز شرکت کنند.

درواهیمیانی ۱۵ خرداد شرکت کنیم

بازی و کمانت خاطره بکوهسد تمام ۱۵ خرداد ۱۳۳۲ - برای شرکت اطلاع موقوف خلق

عنه حبه متحد ضد انقلاب سبزیکنی امریکائی آمریکا. در راه نفس اهداف انقلاب و

مکتوب - در جوری اعلامی نیول

در ۱۶ شهری ۲۲ روز سه‌شنبه ۱۵ خرداد ۱۳۳۲. موجه در هر شرکت کنید.

به موازات اوج گیری جنبش پرتوان صلح، اینک جنبش اعتراضی زحمتکشان کشورهای سرمایه داری دامن می گزند. در هفته های گذشته نزدیک به ۱۶ میلیون تن از زحمتکشان ایتالیا، با درخواست بهبود شرایط زندگی خود دست به یک اعتصاب هفت ساعته زدند. این اعتصاب که تمام رشته های صنی و اقتصادی کشور را فراگرفت یکی از بزرگترین اعتصابات های تاریخ ایتالیا خطر اعتصاب سال ۱۹۶۸، پس از بحران ۱۹۶۹ بوده است.

در پی این اعتصاب ۵۰۰۰ هزار تن از مردم ایتالیا به خانه اعتراضی به سیاست های اقتصادی دولت در مورد کاهش اعتبارات دولتی برای نایرمدی های اجتماعی و بیماری فرزانده به نحاس حیوانی پرداختند. همچنین در پی مخالفت دولت ایتالیا با حواست سدکاسی کارگران جابجاءها برای افزایش دستمزد و مزایای بهداشتی، کارگران اعتصاب کردند و نتیجه هیچ روزنامه ای در سراسر کشور منتشر نشد.

در انگلستان نیز که اقتصاد آن دچار بحران همه جا به است بوج اعتصاب ها و اعتراضات بوده ای گسترش می یابد ۱۲۰ هزار کارگر شبکه راه آهن به دعوت سندکای کارگران راه آهن اعتصاب کردند و علاوه بر ۱۵ هزار نفر کارگر خطوط راه آهن شهری به آنها پیوستند و شبکه راه آهن در سراسر انگلستان فلج شد افزون بر این بیش از ۶۰ هزار نفر کارمند و پرتار دست به اعتصاب زدند و کارگران معدن نیز به حمایت از آنها دست آر کار کشیدند. جن دروز پس از آن ۱۸ هزار سب و نیکسین راه آهن معددا دست از کار کشیدند و مجدداً شبکه راه آهن دچار فلج گردید. از سال ۱۹۶۶ به این سو نخستین بار است که اعتصاب های نا جسی گسترده ای در انگلستان روی می دهد. جنبش اعتراضی زحمتکشان کشورهای سرمایه داری در شرایطی گسترش می یابد که این کشورها همچنان در بحران اقتصادی دست و پا می زنند.

تعداد بیماران در کشورهای پیشرفته سرمایه داری طبق آمار رسمی خود این کشورها در سال گذشته حدود ۲۶ میلیون نفر برآورد شد. این رقم عظیم طبق محاسبه کارشناسان کشورهای سرمایه داری در نیمه سال جاری به ۲۸/۵ میلیون نفر رسیده و پیش بینی می شود که در سال آینده به ۳۱ میلیون نفر برسد. اکنون نزدیک به ۳ میلیون نفر در ایتالیا و نزدیک به چهار میلیون نفر در انگلستان بیمار هستند. نرخ تورم در کشورهای عضو بازار مشترک در سال گذشته ۱۱ درصد بود و فشار از این طریق بر کارگران و زحمتکشان این کشورها همچنان افزایش می یابد. نرخ بالای تورم موجب آن شده که سزای دستمزد واقعی کارگران امریکا کمین سالهای ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۰ حدود ۱۳ درصد کاهش یافته در سال گذشته نیز ۲ درصد پائین بیاید.

در چنین شرایطی، امپریالیست ها که گور خود را به دست خود می کنند، فر اجلاس اخیر ناتو بازم به درصد بر هزینه های نظامی خود افزودند و هزینه های مربوط به خدمات را هرچه بیشتر به طغ هزینه های تسلیحاتی کاهش دادند. در امریکا، که آمار بیماران آن از ۱۰ میلیون گذشته است تنها یک میلیارد دلار اعتبار برای تحقق یک برنامه "انتقال ملی" در نظر گرفته شده است. در حالیکه ۲۶۲ میلیارد دلار برای هزینه های نظامی اختصاصی داده شده است.

امپریالیسم امریکا در شرایط این بحران گسترش یافته، همچنان سیاست افزایش بازهم بیشتر بودجه نظامی، تشدید سابقه تسلیحاتی، تازاندن سلیمتاریسم، دامن زدن به تنش بین المللی، شعله ور ساختن جنگ های محلی منطقه ای، "انتقال فشار" بر دوش "متعدین"، اعمال سیاست از موضع زور و زورگویی، غارت دسترنج میلیاردها مردم جهان از جمله از طریق صدور نامحدود جنگ افزار به متعدین و کشورهای وابسته و زیر سلطه را با غرض روزافزون دنبال می کند.

امپریالیسم امریکا می گویند، تا متعدین خود را به گزینش همین سیاست

و اداری سازد و در این راه از هیچگونه فشاری . حتی بر نزدیکترین دوستان
خود نیز دریغ نمی‌ورزد . تضاد بین کشورهای امپریالیستی رو به فزونی است
سیاست‌های نظامی‌گری : امپریالیست‌ها که متعاقباً به تعقیب بحران اقتصادی
در این کشورها و تشدید فشار بر زندگی توده‌های طبقه‌ی می‌انجامد . باعث
اوج‌گیری جنبش‌های اقتصادی کارگران و زحمتکشان شده است . طبقه کارگر و
زحمتکشان کشورهای سرمایه‌داری نتایج سیاست‌های تجاری آزارنده و جنگ‌جویانه
امپریالیست‌ها را بصورت فشارهای خریدکننده بر زندگی توده‌های می‌کنند .
هیبوندی بحران زایش‌یافته نظام امپریالیستی و تشدید سیاست‌های
تجاوزکارانه و جنگ‌جویانه امپریالیست‌ها سرگردانی آمریکا . جنبش طبقه کارگر
کشورهای سرمایه‌داری را با جنبش بی‌توان طبقه‌ی کارمندان و پیش‌پس می‌دهد .
اکنون زحمتکشان کشورهای سرمایه‌داری بطور وسیع برای مبارزه در راه صلح را
با مبارزه طبقاتی خوش می‌بینند و سهم می‌آورند .
جنبش‌های اقتصادی در حال گسترش . که مبارزه مبارزه زحمتکشان در کشورهای
سرمایه‌داری است . بی‌آمدهای سیاسی بزرگی را دربر دارد . جنبش‌های اقتصادی
اغلب به سردی طبقه‌ی کل نظام سرمایه‌داری امپریالیستی بدل می‌شود .
سین‌المللی شدن فزاینده جنبش‌های اقتصادی در سالهای اخیر جوان و پانشر آن
را در مورد سر ضد انحصارانه و بر ضد نظام سرمایه‌داری انحصارگر امرایی
داده است . نظام امپریالیستی از دیوان‌زیر فشار جنبش طبقه کارگر و جنبش
صلح به بحران زرفتر فرو می‌رود و ناآرامی خود را در رهاسازی از جنگال اس
بحران‌های سیاسی روشنتر به نمایش می‌گذارد .

در پی گسترش تجاوز خونین آمریکایی - صهیونیستی به جنوب لبنان، که تاکنون بیش از ده‌ها هزار کشته، ۵۰ هزار زخمی و یک میلیون آواره داشته است، موج غشم و نفرت مردم خرد جهان، گسترده‌تر از زمانی که سب‌های آمریکایی، هیروهیما و ناگازاکی را نابود کردند، و برداشته‌تر از زمانی که بمب‌های آمریکایی مردم ویتنام را کشتار می‌کردند، متوجه امپریالیسم آمریکا شده است.

غشم و نفرت مردم نسبت به امپریالیسم آمریکا و سیاست‌های تجاوزکارانه و جنگ‌افروزان آن چنان دانه‌ای بافته است که حتی متحدین و همپیمانان دیرین آن هراس دارند که شریک‌همه دیوانگی‌های وی بشوند و می‌کشند تا حساب خود را در برخی از عرصه‌ها از سرکرده خویش جدا کنند.

آنچه در شورای امنیت به تصمیم‌گیری در مورد پیشنهاد فرانسه بهرامون مساله تجاوز اسرائیل به لبنان روی داد، و آنچه در اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد به خاطر حوادث لبنان پیش آمد، سند بین‌المللی رسوایی امپریالیسم آمریکا و نمودار انزوی شناکبر و فزاینده این دژحیم تاریخ است.

پیشنهاد فرانسه به شورای امنیت که دوازده مورد تهدید نظر قرار گرفت طرحی دو مرحله‌ای بود که در مرحله اول خواستار عقب‌نشینی نیروهای اسرائیلی تا شعاع ۱۰ کیلومتری سروت و همزمان با آن خروج نیروهای فلسطینی از این شهر بود. از بازنده کشور عضو شورای امنیت چهارده نفر به این طرح رای مثبت دادند. آمریکا با تنها رای خود پیشنهاد فرانسه را وتو کرد!

در اجلاس ویژه سازمان ملل متحد به خاطر حوادث لبنان، که به پیشنهاد تعداد کثیری از کشورهای ضد امپریالیست و عضو جنبش غیرمتعهدها تشکیل شد ۱۲۷ کشور جهان به قطعنامه این اجلاس که خواستار آتش‌بس فوری و خروج بی‌قید و شرط و بدرنگ اسرائیل از خاک لبنان بوده است رای موافق دادند و تنها آمریکا و اسرائیل آن را رد کردند.

این اراده ملل جهان است که اینگونه امپریالیسم آمریکا را در محام بین‌المللی رسوا و منزوی کرده است. این اراده و قدرت رزمندگی خلق‌هاست که حرف آخر را خواهد زد و غول جویس‌های امپریالیسم آمریکا را سزاوار خواهد آورد.

جلودار از تشدید بحران در سیاست داخلی و خارجی امپریالیسم امریکا

استعمای هیک نتیجه تشدید بحران در سیاست داخلی و خارجی امپریالیسم امریکاست. این بی‌خطائرس نتیجه‌ای است که می‌توان گرفت. در حالیکه تئوری امپریالیسم امریکا مثل از همه این است که چنین نتیجه‌ای گرفته نشود. آشکار است که هیک و ریگان هیچکدام نماینده جناحی جز مرنج‌ترین جناح انحصارات امپریالیستی امریکا نیستند. آنها هر دو از "بارها" هستند و اساس سیاست ماجراجویانه و جنگ‌افروزان کنونی امپریالیسم امریکا مورد اختلاف آنها نمی‌تواند باشد. هیک و ریگان هیچیک موافق هرمنسیسمی سالم‌آمیز و مخالف صدور عسکر، ضدانقلاب و سرکوب خلقها و در این شرایط مخالف قتل‌عام مردم لبنان و فلسطین نیستند. با این همه در برابر طراحان و مجریان این سیاست امپریالیسم امریکا حرا سائلی فد علم می‌کند که تنها آنها را به رویارویی با هم می‌کشاند. بلکه هریک از آنها را سزیه تافترگویی و امیدارد. مثلا اجراء سیاست ماجراجویانه و جنگ‌افروزان امپریالیسم امریکا ایجاد می‌کند که دیگر کشورهای امپریالیستی هم‌ایاسی و همکاری بیشتری با آن داشته باشند در حالیکه این سیاست در خدمت برتری‌خواهی امپریالیسم امریکاست و با هدف سودجویی نامحدود امپریالیسم امریکا. تضاد میان اردوی امپریالیسم، یعنی امریکا، بازار مشترک اروپا و ژاپن را تشدید می‌کند. سردی که بر سر خط لوله گاز شوروی میان کشورهای سرمایه‌داری در اروپا و امپریالیسم امریکا در گرفته است جوانی از این تضاد فرایده ناشی از سیاست امپریالیسم امریکا را به نمایش می‌گذارد. امپریالیسم امریکا جهت باامن منافع خود و به اصطلاح تحت فشار قراردادن کشورهای سوسیالیستی حواستار آن است که کشورهای سرمایه‌داری اروپا همه قراردادهای خود را با اتحاد شوروی در مورد خط لوله گاز لغو کنند. در حالیکه کشورهای اروپایی طرف معامله اتحاد شوروی نفع خود را در آن می‌بینند که این قراردادها حتما و حتی سریعتر اجرا شود. اما اعمال فشار قدرتمندانه بر کشورهای سرمایه‌داری اروپا همچنانکه مشاهده می‌کنیم منجر به تشدید تضادهای آنها با امپریالیسم امریکا و مخالفت بیشترشان با سیاست‌های برتری‌جویانه و جنگ‌افروزان آن می‌شود. عسرفرم حواست امپریالیست‌ها تضاد میان کشورهای امپریالیستی، تضاد میان امپریالیست‌ها و کشورهای واسنه و زیر سلطه و تضاد میان نظام امپریالیستی با جهان رو به پیشرفت و تکامل تشدید می‌شود و همه کوشش‌های طراحان و مجریان سیاست‌های امپریالیسم برای حصول نگاه‌داشتن آن از بحران، جسرا و حتما نفعی برآب می‌شود.

استعمای هیک ناشی از اختلاف بر سر مضمون و هدف سیاست امپریالیسم قدر و هار امریکا نیست بر سر چگونگی انجام آن است این اختلاف در آخرین تحلیل، ناشی از اختلاف نظر بر سر گروه‌های حامی انحصارات امپریالیستی است که همواره مانند گرگها بر سر طعمه با یکدیگر کلاویز می‌شوند.